

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال سیزدهم، شماره‌ی پنجاه‌ویکم، بهار ۱۴۰۱، صص ۱-۲۶
(مقاله علمی - پژوهشی)

بررسی ساختار خانه‌های فرهنگ روستایی در ایران دوره‌ی پهلوی (۱۳۴۷-۱۳۵۷)

جعفر آقازاده^۱، محسن پرویش^۲

چکیده

حکومت پهلوی دوم به منظور تحقق برنامه‌های اصلاحات ارضی، برنامه‌هایی را برای رسیدن به اهداف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در چند مرحله به اجرا درآورد. یکی از تحولات مرحله‌ی سوم اصلاحات ارضی که از سال ۱۳۴۶ آغاز شده بود، تأسیس خانه‌های فرهنگ روستایی در ۲۳ شهریور ۱۳۴۷ بود. به گفته‌ی متولیان فرهنگی ایران، خانه‌های فرهنگ، روستاییان سراسر کشور را برای خدمت به انقلاب سفید آماده می‌کرد. مسئله‌ی اصلی مقاله، بررسی ساختار خانه‌های فرهنگ روستایی در ایران دوره‌ی پهلوی (۱۳۴۷-۱۳۵۷) با روش توصیفی و تحلیلی است. پرسش مقاله این است که هدف از تشکیل خانه‌های فرهنگ روستایی و فلسفه وجودی آن چه بود؟ اندیشه‌ی تأسیس خانه‌های فرهنگ روستایی بر پایه‌ی چه الگو و چه تجربه‌ای شکل گرفته بود؟ یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد که هر چند خانه‌های فرهنگ روستایی در حل برخی از مشکلات روستاییان مؤثر واقع شد، اما به دلیل سیاست‌های اعمال شده‌ی حکومت پهلوی دوم کارکرد واقعی خود را از دست داد.

واژه‌های کلیدی: خانه‌های فرهنگ، اصلاحات ارضی، آموزش، روستاییان، پهلوی دوم

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده‌ی مسئول)

j.agazadeh@uma.ac.ir

۲. مدرس گروه تاریخ دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

Mohsen.parvish@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۳ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۳/۱۰

مقدمه

از مهم‌ترین اهداف و فعالیت‌های وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی در زمینه اجرای اصلاحات ارضی در ایران، به اجرای قانون اصلاحات ارضی، شرکت‌های سهامی زراعی، شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی روستایی، بیمه‌های اجتماعی روستاییان و خانه‌های فرهنگ روستایی باید اشاره کرد. محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۴۷ به منظور بالابردن سطح اطلاعات عمومی و اجتماعی، زمینه‌سازی برای پرورش استعدادها و ورزشی، هنری و فنی روستانشینان کشور، ارشاد افکار کشاورزان در جهت برنامه‌های آبادانی مملکت، تقویت حس مسئولیت اجتماعی و گسترش اصول و اندیشه تعاون و عادت به خدمات جمعی، بسط ارتباط بین روستاهای هم‌جوار و آگاهی‌بخشی به روستاییان درباره فرهنگ و سنن ملی و اصول انقلاب سفید، خانه‌های فرهنگ روستایی را تأسیس کرد. به سخن دیگر، پهلوی دوم خانه‌های فرهنگ روستایی را ایجاد کرد تا نیازهای جدید فرهنگی ایران را جوابگو باشد. اقدامات و عملکرد سازمان خانه‌های فرهنگ استخدام مددیاران، برگزاری کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی برای دختران روستایی، برگزاری دوره‌های آموزشی تربیت مربی، ایجاد مهد کودک و موارد دیگر را شامل می‌شد. متولیان حکومت پهلوی دوم از سازمان‌های گوناگون برای بهره‌گیری از خدمات داوطلبانه در جهت پیشرفت خانه‌های فرهنگ روستایی استفاده می‌کردند. در ساختار خانه‌های فرهنگ روستایی کمیته‌های مختلفی قرار داشت که هر یک از آنها وظایفی خاصی برعهده داشتند. اما آشنا کردن روستاییان با فرهنگ و سنن و پاسداری از انقلاب سفید در ایران و همچنین آماده کردن کشاورزان برای خودیاری و تعاون در رأس برنامه‌های آنها مشهود بود. در باب پیشینه پژوهش باید اشاره کرد که پژوهشی منسجم و مستقل مبتنی بر بررسی چگونگی شکل‌گیری و عملکرد انجمن خانه‌های فرهنگ روستایی (۱۳۴۷-۱۳۵۷) با روش اسنادی انجام نشده است. مقاله حاضر پژوهشی مستقل در این باب محسوب می‌شود.

تأثیرات اصلاحات ارضی بر جامعه روستایی ایران

بر طبق نظر دولتمردان پهلوی، اصول نوزده‌گانه دولت پهلوی با عنوان «انقلاب سفید»

و، یا «انقلاب شاه و مردم»، سرآغاز سلسله تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بود. به گفته آبراهامیان، محمدرضاشاه با شروع انقلاب سفید که با هدف دوگانه رقابت و همچنین جلوگیری از وقوع یک انقلاب سرخ از پایین طراحی شده بود، برنامه هایش را شتاب بخشید (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۳۹). شالوده انقلاب سفید همان اصل اول آن یعنی، اصلاحات ارضی و الغای رژیم ارباب و رعیتی بود که هدف آن به ظاهر تغییر شیوه مالکیت زمین‌های کشاورزی از فئودالی به خرده مالکی و توزیع دوباره آن بین کشاورزان بود. تحقق این اهداف نقطه عطفی برای روستاییان قلمداد می‌شد، چرا که در اوایل دهه ۱۳۴۰ جمعیت روستایی ایران، دو سوم جمعیت کل کشور را تشکیل می‌داد (اشرف، بنوعیزی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). در مشروح مذاکرات مجلس نوزدهم شورای ملی، عمیدی نوری نماینده مجلس، هنگام بحث درباره برنامه ماشینی کردن کشاورزی اشاره کرد که از ۱۹ میلیون جمعیت ایران، فقط ۵ میلیون نفر سکنه شهرها هستند و ۱۴ میلیون دیگر در روستاها زندگی می‌کنند (مشروح مذاکرات مجلس نوزدهم شورای ملی، ۱۳۳۵: جلسه ۴۳).

محمدرضا پهلوی مدعی بود که به کمک اصلاحات ارضی روستاییان آزاد شده از قید نظام ارباب رعیتی، از مزایای انقلاب سفید بهره‌مند می‌شوند. او، اجرای تمام و کمال اصلاحات ارضی را یک ضرورت می‌دانست (پهلوی، ۱۳۴۶: ۴۳). به نظر ارسنجان‌ی اصلاحات ارضی مورد نظر شاه منشأ خارجی داشت (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۹: ۱۵۰) و بخشی از برنامه‌های دولت آمریکا و شخص جان کندی به شمار می‌رفت (بیل، ۱۳۷۱: ۱۸۷) اما شاه آن را به نبوغ خود نسبت می‌داد و بر آن بود خود را پادشاهی نشان دهد که به رفاه مردم کشورش علاقه فراوان دارد (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۰۰). طرحی که ارسنجان‌ی وزیر کشاورزی دولت امینی ارائه داده بود، شرکت‌های تعاونی را عهده‌دار بخش مهمی از وظایف اصلاحات ارضی نشان می‌داد (ارسنجان‌ی، ۱۳۷۹: ۴۴۲)؛ مسئله‌ای که مورد تأکید مجلس شورای ملی نیز بود (مشروح مذاکرات مجلس نوزدهم شورای ملی، ۱۳۳۵: جلسه ۲۶). برای دریافت زمین، روستاییان می‌بایست در تعاونی‌های روستایی وابسته به وزارت کشاورزی و عمران روستایی عضو می‌شدند. اما انقلاب سفید در تأمین زمین برای بخش قابل توجهی از جمعیت روستایی کشور با شکست

روبه‌رو شد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۵۱).

اصلاحات ارضی در ایران، در بعد اجتماعی تأثیرات زیادی برجای گذاشت. لمبتون در کتاب *اصلاحات ارضی در ایران* معتقد بود که اصلاحات ارضی در نظام روستایی ایران، از نظر افزایش درآمد، تعاونی و... تأثیر زیادی در بهبودی وضع اقتصادی - اجتماعی روستاییان داشت. لمبتون روستای آبرود تربت حیدریه را به عنوان نمونه یاد می‌کند (لمتون، ۱۳۹۴: ۲۱۷). در مقابل محققان دیگری بر این عقیده‌اند که اصلاحات ارضی تنش‌های اجتماعی را افزایش داد. هم‌زمان با اصلاحات ارضی، اعیان و اشراف روستایی که در سده‌های گذشته بر دهقانان و ایلات سلطه داشتند، تضعیف شدند و در مقابل، شمار قابل توجهی از کشاورزان مستقل و کارگران بی‌زمین به وجود آمدند که به لحاظ سیاسی در حکم نوعی بمب به شمار می‌آمدند. روستاهای زیادی از برق، آب لوله‌کشی، راه و دیگر امکانات رفاهی بی‌بهره بودند. دولت نیز قیمت‌های تعیین شده بر محصولات کشاورزی را در جهت منفعت مناطق شهری بنا کرده بود. در حالی که هزینه‌های این قیمت‌گذاری‌ها را روستاییان باید پرداخت می‌کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۵۳-۲۵۵). بنابراین تعجبی نداشت که ساکنان روستاها و شهرهای کوچک، بی‌توجه به مشکلات و گرفتاری‌هایی مانند اجاره‌های بالا، تراکم جمعیت و آلودگی هوا، به امید یک زندگی بهتر به مهاجرت به تهران تمایل داشتند (همان، ۲۵۷). بنابراین، تهران که جمعیتش از ۲/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۴۹ به ۵ میلیون نفر در سال ۱۳۵۶ رسیده بود، بزرگترین کانون این انفجار عظیم جمعیتی محسوب می‌شد (فوران، ۱۳۸۶: ۴۷۱). به دنبال اصلاحات ارضی، برنامه‌های دیگری برای روستاییان و مشارکت آنها در توسعه اجتماعی و اقتصادی انجام شد که یکی از آنها ایجاد خانه‌های فرهنگ روستایی بود که از سال ۱۳۴۷ در بسیاری از روستاهای کشور به مرحله اجرا درآمد.

علل تشکیل خانه‌های فرهنگ و طراحان آن

با اصلاحات ارضی و تقسیم زمین میان زارعان، همکاری و کار جمعی در کشاورزی که ناشی از طرز تولید فتودالی بود، به کار فردی و فعالیت خصوصی تبدیل شد. با تقسیم زمین بین زارعان و کثرت و افزایش خودمالکی و بسط و توسعه اقتصاد خصوصی و

سرمایه‌داری زراعی و به کاربردن ابزار جدید کشاورزی و توسعه کشاورزی مکانیزه و همچنین ایجاد و توسعه راه‌های ارتباطی و رواج و عمومیت وسایل ارتباطی مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه و کتاب، فرهنگ فئودالی هم دستخوش تغییر و تحول شد. بنابراین با توجه به وضعیت اقتصادی و اجتماعی جدید که در روستاهای ایران شکل گرفت، فرهنگ جدیدی در حال شکل‌گیری بود که به نیازها و احتیاجات جدید پاسخ دهد. بر اساس این نیازهای جدید فرهنگی است که خانه‌های فرهنگ روستایی به وجود آمد تا بخشی از فرهنگ جدید را در روستا رواج دهد و جایگزین فرهنگ سنتی و، یا مالکیت فئودالی کند. چنان‌که در نهمین سالگرد تصویب قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۴۹، محمدرضا شاه پهلوی مدعی شد که تشکیل خانه‌های فرهنگ روستایی در جهت افزایش سطح اطلاعات عمومی و اجتماعی با استقبال روستانشینان کشور روبه‌رو شده است و کوشش جوانان کشاورز و سازمان‌های گوناگون دولتی و ملی برای تجهیز این خانه‌ها - از نظر ایجاد کتابخانه، باشگاه‌های ورزشی، رادیو و تلویزیون و فراهم کردن امکانات لازم در راه بروز و ظهور استعدادهای فنی و هنری کشاورزان مملکت - نقش مؤثر خانه‌های فرهنگ روستایی را برای نیل به هدف‌های مورد نظر از تشکیل آنها نشان می‌دهد.

اداره و رهبری خانه‌های فرهنگ روستایی را مسئولان فرهنگی انجام می‌دادند که کارمندان وزارت تعاون و امور روستاها بودند (ساکما، ۲۳۰/۸۹۹۷). وظیفه وزارت تعاون و امور روستاها درباره خانه‌های فرهنگ روستایی، به وجود آوردن زمینه استفاده از این مراکز برای اجرای برنامه‌های وزارتخانه‌ها و سازمان‌های متعدد در روستاها بود. از این رو، وزارت تعاون، همکاری و مساعدت همه‌جانبه سازمان‌های دولتی و ملی را برای رسیدن به هدف‌های خانه‌های فرهنگ روستایی خواستار بود. چنان‌که ایجاد خانه‌های فرهنگ روستایی در استان‌ها و شهرستان‌ها را به عنوان یکی از پدیده‌های انقلاب سفید و یکی از عوامل اصلی تغییر طرز تفکرات اجتماعی روستاییان مطرح می‌کرد (ساکما، ۲۹۳/۵۶۷۹۷).

اولین خانه فرهنگ روستایی در روستای جوقین شهریار در زمینی به مساحت ۱۵۰۰ مترمربع بنا شد. ۲۰ هزار متر مربع زمین هم برای ایجاد زمین‌های ورزشی این خانه

فرهنگ اختصاص داده شد (نشریه خبری وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، س ۲، ش ۹، دی ماه ۱۳۴۷: ۳). مرکز انجمن در تهران بود. در موارد لزوم، به پیشنهاد وزیر تعاون و امور روستاها و تصویب شورای عالی، در هریک از مراکز استان‌ها و فرمانداری‌های کل و شهرستان‌هایی که لازم تشخیص داده می‌شد (به استثنای شهرستان‌های مراکز استان‌ها و فرمانداری‌های کل)، انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی وابسته به انجمن مرکزی تشکیل می‌شد (ساکما، ۱۳۹۱۹/۲۹۳).

خانه‌های فرهنگ روستایی از هیئت مدیره، مدیر عامل، خزانه‌دار، دبیر و کمیته‌ها تشکیل می‌شد که هشت کمیته وظایف آن را برعهده داشتند. در باب نحوه ایجاد یک خانه فرهنگ روستایی لازم به ذکر است که طبق آیین‌نامه وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، هر روستا که جمعیتی بالغ بر ۵۰۰ نفر و یک هکتار زمین داشت، می‌توانست درخواست کتبی خود را به این اداره تحویل دهد. ادارات مزبور درخواست را به وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی ارجاع می‌دادند و مجوز لازم را برای ایجاد یک خانه فرهنگ روستایی صادر می‌کردند. هر خانه فرهنگ روستایی دو فرم به شماره‌های ۷ و ۸ داشت. در فرم شماره هفت مشخصات خانه فرهنگ روستایی آمده بود که موارد زیر را شامل می‌شد: ۱. نام روستا؛ ۲. تاریخ تأسیس شرکت سهامی زراعی؛ ۳. سرمایه شرکت؛ ۴. عده اعضای شرکت؛ ۵. تاریخ تأسیس شرکت تعاونی روستایی؛ ۶. روستاهای حوزه شرکت؛ ۷. فاصله روستا تا شهرستان و آسفالت؛ ۸. تعداد خانوار ساکن روستا؛ ۹. تعداد مردهای روستا؛ ۱۰. تعداد زنان روستا؛ ۱۱. گروه سنی روستا؛ ۱۲. آیا در روستا دبستان وجود دارد؟؛ ۱۳. آیا در روستا دبیرستان وجود دارد؟؛ ۱۴. تعداد باسوادان زن و مرد روستا؛ ۱۵. تعداد سپاهیان انقلاب (دانش، بهداشت، ترویج و آبادانی)؛ ۱۶. دیگر مأموران دولت در سطح روستا؛ ۱۷. سازمان‌ها و مؤسسات موجود در روستا.

فرم شماره هشت شامل اسامی کمیته‌هایی بود که تا آن مقطع تشکیل شده بود. همچنین، وضعیت ساختمانی خانه فرهنگ، نام واگذارکننده ساختمان، وضعیت زمین ورزش و آماده بودن ساختمان برای تشکیل خانه فرهنگ روستایی، در آن درج شده بود.

اولین جلسه شورای عالی انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی، ساعت ۱۲ روز سه شنبه هفتم آبان ۱۳۴۷ به ریاست آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی و نیابت ریاست عالی انجمن در وزارت دربار شاهنشاهی برگزار شد. در آن جلسه عبدالعظیم ولیان، وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستایی و دبیر کل انجمن، درباره اهداف خانه‌های فرهنگ سخنرانی کرد (صورت جلسات شورای عالی انجمن‌های فرهنگ روستایی، بیتا، ۵). تا سال ۱۳۵۴، تعداد ۱۰۱۷ خانه فرهنگ روستایی با عضویت ۱۹۳/۸۸۶ نفر از روستاییان تشکیل شد. از آن میان ۵۵۶ خانه فرهنگ ساختمان مناسب داشت و ۴۶۱ واحد دیگر در محل‌های استیجاری و اهدایی روستاییان مستقر بود. تعداد کشاورزان عضو خانه‌های فرهنگ ۱۹۳/۸۸۶ نفر بود و تعداد ساکنان دهاتی که در حوزه عمل خانه‌های فرهنگ روستایی بود، بیش از دو میلیون نفر (ساکما، ۱۳۹۸/۲۳۰). در برخی موارد، انتقال تأسیسات خانه فرهنگ از یک روستا به روستای دیگر، به علت عدم اجرای تعهد اهالی به احداث ساختمان در موعد مقرر، مشکلات فراوانی برای این خانه‌های فرهنگ به وجود می‌آورد (ساکما، ۱۳۹۳/۱۲۱۴۱۵).

اساسنامه و وابستگی سازمانی خانه‌های فرهنگ روستایی

در اساسنامه خانه‌های فرهنگ روستایی، پنج فصل تعریف شده است. فصل اول راجع به نام مرکز، هدف و وظایف، مدت و منابع درآمدی آن بود. ماده یک این اساسنامه اشاره دارد که انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی به ریاست محمدرضا پهلوی، وظایف محوله را انجام خواهد داد. ماده ۲ ذکر می‌کند که مرکز انجمن در تهران است و در موارد لازم به پیشنهاد وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستایی و تصویب شورای عالی، در هر یک از مراکز استان‌ها و فرمانداری‌های کل نیز انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی وابسته به انجمن مرکزی تشکیل خواهد شد. بر طبق ماده ۳ مدت تشکیل انجمن نامحدود است. بر اساس ماده ۴ اساسنامه خانه‌های فرهنگ روستایی، هدف از تشکیل انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی عبارت بود از راهنمایی و تقویت مادی و معنوی خانه‌های فرهنگ روستایی، به منظور فراهم آوردن موجبات استفاده از اوقات فراغت و آزاد روستائینان برای بالا بردن سطح اطلاعات عمومی و اجتماعی آنان،

هدایت افکار روستاییان در جهت برنامه‌های سازندگی مملکت، ایجاد حس مسئولیت اجتماعی و آشنا کردن روستاییان با فرهنگ و سنن ملی، پاسداری از اصول انقلاب شاه و ملت و آماده کردن کشاورزان برای رعایت اصل خودیاری و تعاون و مشارکت هر چه بیشتر در کارهای دسته جمعی و اجتماعی و ارتباط روستاهای مجاور با یکدیگر به منظور ایجاد همبستگی بیشتر برای حل مسائل اجتماعی و اقتصادی مشترک منطقه‌ای (ساکما، ۲۹۳/۸۸۲۰۱). ماده ۵ اساسنامه هم منابع درآمدی آن را مشخص می‌کند که شامل موارد زیر است: الف) هدایا و عطایا و کمک‌های عمومی و متفرقه؛ ب) درآمدهای اختصاصی انجمن.

فصل دوم اساسنامه خانه‌های فرهنگ روستایی به ارکان آن اشاره می‌کند که شامل ریاست عالی، نیابت ریاست عالی، شورای عالی، دبیر کل، هیئت نظارت است. اعضای شورای عالی انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی عبارت بودند از: وزیر دربار شاهنشاهی، رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، وزیر فرهنگ و هنر، وزیر آبادانی و مسکن، وزیر اطلاعات، وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، وزیر آموزش و پرورش، مدیر عامل سازمان برنامه، مدیر عامل کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی، مدیر عامل سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، مدیر عامل جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران، رئیس سازمان تربیت بدنی و تفریحات سالم، رئیس پیشاهنگی ایران. همچنین انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی هیئت نظارت داشت که با بهره‌گرفتن از مأموران راهنمای سیار، خانه‌های فرهنگ روستایی را در روش اجرای برنامه‌ها راهنمایی و ارشاد می‌کرد. اعضای هیئت نظارت هم شامل افراد زیر بود: دبیر کل شورای عالی فرهنگ و هنر، نمایندگان وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، نمایندگان وزارت فرهنگ و هنر.

بر اساس ماده ۱۱ انجمن خانه‌های فرهنگ روستایی، وزیر تعاون و امور روستاها با عنوان دبیر کل انجمن و با دستور محمدرضا شاه منصوب می‌شد. دبیر کل مسئول کلیه امور اجرایی، اداری و مالی انجمن بود و بر تمامی تشکیلات اداری و کارمندان وابستگان انجمن ریاست داشت. ماده ۱۷ اساسنامه هم اشاره می‌کند که انجمن دارای دبیرخانه‌ای بود که تحت نظر دبیر کل انجام وظیفه می‌کرد. رئیس سازمان خانه‌های

فرهنگ روستایی وزارت تعاون و امور روستاها با حفظ سمت، رئیس دبیرخانه انجمن هم بود و با حضور در جلسات شورای عالی، مسئولیت تنظیم صورت‌جلسات مذاکرات و ابلاغ تصمیمات شورای عالی را بر عهده داشت.

فصل سوم اساسنامه به ترازنامه و رسیدگی به حساب‌های سالیانه اختصاص داشت. بر طبق ماده ۱۸، سال مالی انجمن از اول فروردین ماه آغاز و آخر اسفند ماه همان سال خاتمه می‌یافت. فصل چهارم اساسنامه به مقررات مختلف اختصاص داشت. چنان‌که بر طبق ماده ۲۰ اساسنامه انجمن، خانه‌های فرهنگ روستایی می‌توانستند به منظور توسعه فعالیت‌های خود، با انجمن‌های مشابه کشورهای دیگر روابط مستقیم برقرار کنند. فصل پنجم اساسنامه هم به تشکیل انجمن‌های وابسته به انجمن مرکزی در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها اختصاص یافته بود. چنان‌که در شهرستان‌ها ریاست انجمن ملی به عهده فرماندار بود و رئیس اداره تعاون و امور روستاها با سمت دبیر، مسئول امور دبیرخانه انجمن و برقراری ارتباط بین انجمن محلی و انجمن استان یا فرمانداری کل بود (ساکما، ۲۳۰/۸۹۹۸).

حوزه عملکرد و اهداف خانه‌های فرهنگ روستایی

یک خانه فرهنگ روستایی برنامه‌های مختلفی را اجرا می‌کرد که از مهم‌ترین آنها به اجرای نمایش و برنامه‌های هنری، نمایش فیلم‌های آموزشی و تفریحی، آموزش صنایع دستی و برپایی نمایشگاه‌های سیار، برگزاری برنامه‌های ورزشی، تشکیل باشگاه رادیویی، تشکیل کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی، تشکیل مهد کودک و برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده باید اشاره کرد. حوزه عملکرد و وظایف خانه‌های فرهنگ روستایی عبارت بودند از:

۱. فراهم آوردن موجبات برای استفاده از اوقات فراغت و آزاد روستاییان به منظور اشتغال به کارهایی از قبیل صنایع دستی روستایی و مطالعه کتب و نشریات مفید و مجلات و روزنامه‌های مناسب. برای نمونه نشریه «روستا» را انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستای وابسته به «حزب رستاخیز ملت ایران» در فاصله سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۴ منتشر کرد و دوره جدید نشریه را «حزب رستاخیز ملت ایران» با عنوان «رستاخیز

روستا» بعد از سال ۱۳۵۴ انتشار داد (کمام، ۱۷/۱۲۲۱). این مجله در نسخه‌های فراوان و با باربری رایگان برای خانه‌های فرهنگ روستایی سراسر کشور ارسال می‌شد (ساکما، ۲۷۵/۲۱۲۳).

۲. بسط همکاری و اشتراک مساعی با ساکنان روستاهای مجاور به منظور ایجاد همبستگی بیشتر برای حل مسائل اقتصادی، اجتماعی و رفع مشکلات مشترک منطقه‌ای.
۳. تشویق و راهنمایی روستاییان به عضویت در شرکت‌های تعاونی روستایی و همکاری با شرکت اساسی زراعی و انجمن ده و واحد روستایی به منظور بهتر به ثمر رساندن برنامه‌ها.

۴. ترغیب و ارشاد روستاییان برای تشریک مساعی در کلیه امور اقتصادی، اجتماعی، آبادانی، بهداشتی، عام‌المنفعه، نوسازی فرهنگی روستا و همچنین همکاری لازم جهت ایجاد دبستان و ساختمان‌های ورزشی و زمین‌های ورزشی.

۵. راهنمایی و مشاوره روستاییان برای حل مسائل اجتماعی.

۶. همکاری با سازمان‌های ذی‌ربط برای حفظ و مراقبت آثار باستانی

۷. همکاری و اشتراک مساعی با مدیر دبستان و آموزگاران و سپاهیان دانش (ساکما،

۲۳۰/۸۹۹۷).

به طور کلی فعالیت‌های خانه‌های فرهنگ را می‌توان در مهد کودک، ترویج خانه‌داری، کتابخانه، نمایش فیلم، ورزش و برگزاری جشن‌ها خلاصه کرد. ترویج خانه‌داری با اجرای برنامه‌هایی همانند خیاطی، گلدوزی، آشپزی، کاردستی، کاموآبافی و چند حرفه دیگر به انضمام خانه‌داری و بچه‌داری و فعالیت‌های مشابه انجام می‌شد (ساکما، ۲۹۳/۱۲۲۱۹۶). وزارت تعاون با سپردن خانه‌های فرهنگ به مددکاران و محول کردن وظایف خانه‌های فرهنگ به آنها، عملاً خانه فرهنگ را به یک مؤسسه دولتی تبدیل کرده بود و این برخلاف اهدافی بود که در اساسنامه خانه فرهنگ آمده بود و نیز برخلاف اصل مشارکت روستاییان در فعالیت‌های خانه فرهنگ و تقویت اصول تعاون و همکاری در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، عمرانی، آموزشی و فرهنگی روستا بود. به طور کلی کمیته‌های خانه‌های فرهنگ روستایی به چند دسته تقسیم می‌شدند:

۱. کمیته عضویت

- تعداد اعضای این کمیته پنج نفر بود که وظایف زیر را برعهده داشتند:
۱. رسیدگی و اظهار نظر درباره تقاضای داوطلبان عضویت در خانه فرهنگ روستایی و ارسال آن برای هیئت مدیره جهت اتخاذ تصمیم؛
 ۲. تشویق روستاییان و فراهم آوردن موجبات عضویت افراد واجد شرایط در خانه فرهنگ روستایی؛
 ۳. تفهیم هدف و اصول و مبانی و برنامه و کار و مفاد آئین‌نامه خانه‌های فرهنگ روستایی به داوطلبان عضویت در خانه فرهنگ روستایی (ساکما، ۱۹۷۷/۲۹۳).

۲. کمیته صنایع دستی

- کمیته امور صنایع دستی روستایی وظایف مختلفی را برعهده داشت:
۱. تشکیل مرتب جلسات کمیته و بررسی اقدامات و اخذ تصمیم برای فعالیت‌های جدید و تقسیم وظایف بین اعضا کمیته و پیگیری آن تا حصول نتیجه؛
 ۲. کوشش برای اجرای برنامه‌ها به منظور توسعه فعالیت‌های مربوط به صنایع دستی روستاها؛
 ۳. اشتراک مساعی با سازمان‌های ذی‌ربط برای اجرای برنامه‌های مربوط به گسترش صنایع دستی روستایی؛
 ۴. تنظیم گزارش کار کمیته و تسلیم آن به هیئت مدیره (ساکما، ۱۹۷۷/۲۹۳).
- اگرچه اغلب روستاییان به عنوان شغل دوم و درآمد جانبی، در اوقات فراغت به صنایع دستی می‌پرداختند، اما در بسیاری از روستاها فعالیت‌های صنایع دستی تا حد کار اصلی و یکی از منابع عمده درآمد بود. در مناطقی که امکان کشاورزی و دامداری بسیار ضعیف و ناچیز بود، فعالیت‌های صنایع دستی کار اصلی و عمده‌ترین درآمد روستاییان را تشکیل می‌داد. بنابراین در روستاهای ایران، فعالیت‌های صنایع دستی چه از نظر اشتغال و چه از نظر اوقات فراغت و چه از نظر کسب درآمد، اهمیت فوق العاده‌ای داشت. کمیته صنایع دستی به منظور توسعه فعالیت‌های مربوط به صنایع دستی و اشتراک مساعی با سازمان‌های ذی‌ربط برای اجرای برنامه‌های مربوط به گسترش

صنایع دستی روستایی، وظیفه خاصی داشت. خانه‌های فرهنگ روستایی با آموزش گلدوزی، خیاطی، پولک دوزی و... نمایشگاه‌های کوچک دائمی از صنایع دستی و خانگی روستایی را در ادارات فرهنگ و هنر تشکیل می‌دادند (ساکما، ۲۳۰/۳۷۱۰۵).

با وجود آنکه در اساسنامه‌های خانه‌های فرهنگ روستایی کمیته‌ای به نام کمیته صنایع دستی پیش‌بینی شده بود، اما وزارت تعاون و امور روستاها فعالیت قابل توجهی در این مورد انجام نداد. مروری بر خانه‌های فرهنگ روستایی نشان می‌دهد که در برخی از این خانه‌ها، اساساً کمیته صنایع دستی تشکیل نشده بود. در دیگر خانه‌های فرهنگ روستایی که کمیته تشکیل شده بود، فعالیت قابل توجهی انجام نشد (ساکما، ۲۳۰/۸۹۹۷).

۳. کمیته تربیت بدنی و تفریحات سالم

بخشی از اساسنامه خانه‌های فرهنگ روستایی به ورزش اختصاص داشت و کمیته‌ای مسئول آن کار شده بود. یکی از فعالیت‌هایی که خانه‌های فرهنگ روستایی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم انجام می‌دادند، اجرای برنامه‌های فوق‌العاده بود. خانه‌های فرهنگ در مرحله اول به دنبال ایجاد میادین ورزشی و استفاده از جوانان ورزشکار و رقابت با خانه‌های روستایی سراسر کشور بودند. برای مثال رئیس خانه‌های فرهنگ روستایی بوشهر از تربیت تیم فوتبالی خبر می‌دهد که خود را برای مسابقات فوتبال جام گندم طلایی یا همان مسابقات قهرمانی خانه‌های فرهنگ روستایی که در تهران برگزار می‌شد، آماده می‌کرد (ساکما، ۲۳۰/۳۷۱۰۵). برگزاری مسابقات فوتبال بین خانه‌های فرهنگ روستاهای استان همدان از جمله روستاهای نه‌آوند، تویسرکان و ملایر برای حضور در ششمین دوره مسابقات نهایی فوتبال جام گندم طلایی روستاییان کشور عضو خانه‌های فرهنگ روستایی در سال ۱۳۵۴، یکی از همین برنامه‌هاست (ساکما، ۲۷۵/۲۱۲۴). چنان‌که عبدالعظیم ولیان وزیر اصلاحات ارضی، در چهارمین جلسه شورای عالی انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی، به مسابقات فوتبال جام گندم طلایی روستاییان اشاره و بیان می‌کند که بر اساس فرمان محمدرضا شاه پهلوی و به دنبال اقدامات انجام شده برای ترویج ورزش و بازی فوتبال در بین کشاورزان عضو

خانه‌های فرهنگ روستایی، برای نخستین بار تیم‌های فوتبال روستاییان عضو خانه‌های فرهنگ روستایی استان‌ها و فرمانداری‌های کل تشکیل شد و مسابقات مقدماتی بین این تیم‌ها از تاریخ ۱۵ تا ۱۹ تیرماه ۱۳۴۹ در ۵ منطقه برگزار شد (صورت جلسات شورای عالی انجمن‌های فرهنگ روستایی، بیتا: ۲۵).

اعزام مددکاران خانه‌های فرهنگ روستایی به اردوهای پلاژ بابلسر و آشنا شدن بیشتر با هدف‌های سازمان خانه‌های فرهنگ روستایی و استفاده از امکانات تفریحی و ورزشی پلاژ در این اردوها و شرکت در مسابقات پینگ‌پنگ از دیگر وظایف کمیته ورزش و تفریحات سالم بود (ساکما، ۲۹۳/۱۵۱۴۵). چنان‌که استان یزد در سال ۱۳۵۵، شش کشتی‌گیر و یک دوچرخه‌سوار را به اتفاق یک مربی و یک سرپرست، برای مسابقه کشتی روستاییان کشور به اردوی پلاژ بابلسر اعزام کرد (همان). احداث پلاژ بابلسر در سال ۱۳۵۰ توسط سازمان خانه‌های فرهنگ روستایی شروع شد و دو سال بعد به بهره‌برداری رسید. هر ساله در فصل تابستان بیش از ۲۰۰۰ نفر از روستاییان عضو خانه‌های فرهنگ روستایی به پلاژ دعوت می‌شدند و از امکانات آموزشی، تفریحی و سرگرمی آن استفاده می‌کردند (ساکما، ۲۷۵/۲۱۲۲).

ورزش در خانه‌های فرهنگ روستایی تا حدی پیش رفته بود که مورد نظر و جزئی از برنامه‌های تبلیغاتی در وزارت تعاون و امور روستاها بود. هنگامی که وزارت تعاون تصمیم گرفت مسابقات جام گندم طلایی را برگزار کند، تا آنجا که ممکن بود تمامی سازمان‌های خانه‌های فرهنگ روستایی را متوجه برگزاری این مسابقات کرد و شرایط لازم مالی برای برگزاری مسابقات از هر طریقی فراهم شد و خانه‌های فرهنگ روستایی تا مسابقات بعدی به انتظار دریافت وسایل و فراهم کردن امکانات ورزشی بودند. در اکثر خانه‌های فرهنگ روستایی تیم فوتبال و والیبال مورد توجه بیشتری قرار می‌گرفت. از ۱۳ خانه فرهنگ روستایی که کمیته تربیت بدنی و تفریحات سالم داشت، ۷ خانه فرهنگ روستایی فاقد هر گونه وسایل ورزشی بود. ۸ خانه فرهنگ زمین مورد استفاده نداشت و ۸ خانه فرهنگ روستایی لباس و کفش و تور و توپ نداشت (ساکما، ۲۳۰/۸۹۹۷). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حتی تیم‌های فوتبال و والیبال مورد توجه مسئولان نیز در عمل نتیجه مثبتی نمی‌گرفتند. این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌توان ورزش‌های گروهی همانند فوتبال و والیبال را بدون زمین و توپ و تور

ترویج کرد و بدون مربی، ورزشکاران را آموزش داد و تربیت کرد. بعضی از خانه‌های فرهنگ روستایی بنا به تقاضای اداره تعاون، برای ساختمان خانه‌ها و برگزاری فوتبال و والیبال، زمین را به طور رایگان در اختیار می‌گذاشت، اما زمین‌ها برای آنکه به طور مقدماتی قابل استفاده شوند، باید مسطح می‌شد. در مقابل به ورزش‌هایی مانند کشتی به عنوان یکی از ورزش‌های اصیل توجهی نمی‌شد. بنابراین بی‌توجهی به ورزش‌هایی سنتی و بومی و گرایش سریع به تعمیم رشته‌های شهری در روستاهای ایران، علاوه بر نابسامان کردن ورزش‌های سنتی و سابقه کهن و نقش اقتصادی اجتماعی آن، به فرهنگ ملی نیز که مرکب از فرهنگ‌های منطقه‌ای بود، زیان می‌رساند. کافی‌زاده نماینده تربیت بدنی، در گزارشی اشاره می‌کند که با آنکه خانه‌های فرهنگ روستایی کمیته‌های ورزش دارند، اما نتایج حاصله از چک لیست‌های تهیه‌شده از فعالیت‌های ورزشی ۵۰۰ خانه فرهنگ روستایی، نشان می‌دهد که تاکنون (۱۳۵۴) کمیته‌های ورزشی خانه‌ها تشکیل نشده است (ساکما، ۲۳۰/۸۹۹۸).

به رغم این کمبودها و مشکلات تا سال ۱۳۵۴، تعداد ۴۲/۸۱۰ نفر ورزشکار روستایی دسته‌جمعی در سطح روستاها از امکانات ورزشی استفاده می‌کردند. تعداد ۹۱ تشک کشتی، ۲۱۸ میز پینگ‌پنگ، ۷۵ سالن ورزشی، ۴۷۶ تور و میله والیبال، ۵۵۸ زمین والیبال، ۲۱۵ دروازه فوتبال و ۶۰۷ زمین فوتبال وجود داشت. در این میان، اجرای مسابقات قهرمانی روستاییان عضو خانه‌های فرهنگ روستایی با شرکت ۹۷۸ نفر از ورزشکاران منتخب ۲۴ استان و فرمانداری کل در سه رشته فوتبال، والیبال و کشتی انجام شد (ساکما، ۲۳۰/۸۹۹۸). به طوری که خانه فرهنگ روستایی یزد در سال ۱۳۵۵ تعداد ۲۰ عدد توپ، ۱۰ جفت تور، ۵۰ جفت کفش فوتبال و والیبال ۴۰ دست لباس گرم ۱۰ دست لباس کامل کشتی به مبلغ یکصد هزار ریال تهیه کرد. همچنین به منظور گسترش ورزش در سطح روستاهای هم‌جوار، یک دوره مسابقات فوتبال بین خانه‌های فرهنگ روستایی برگزار شد که در نتیجه تیم خانه فرهنگ نصرت‌آباد برنده شد (ساکما، ۲۹۳/۱۵۱۴۵). روز پنجشنبه ۱۳۵۱/۶/۲۳، ۲۱۶ نفر از ورزشکاران عضو خانه‌های فرهنگ روستایی نزد محمدرضا شاه پهلوی رفتند و کاپ‌های قهرمانی خود را دریافت کردند.

۴. کمیته امور نمایشگاه‌ها و جشن‌ها

یکی از برنامه‌هایی که بیشتر مورد توجه مسئولان خانه‌های فرهنگ روستایی قرار داشت، برنامه جشن‌ها و دعوت از روستاییان برای مشارکت در مراسم روزهای مهم بود. مبنای فکری ایجاد این کمیته نزدیک کردن بیشتر روستاییان به یکدیگر و مشارکت دادن آنها در برگزاری روزهای مهم سال به صورت دسته‌جمعی و ایجاد و تقویت میل به همکاری و رفع خستگی‌های ناشی از کار مداوم روزانه بود. از مهم‌ترین وظایف این کمیته موارد زیر قابل اشاره است:

۱. تشکیل مرتب جلسات کمیته و بررسی اقدامات و اخذ تصمیم برای فعالیت‌های جدید و تقسیم وظایف بین اعضای کمیته و پیگیری آن تا حصول نتیجه؛
 ۲. همکاری با سازمان‌های ذی‌ربط برای ایجاد نمایشگاه‌های سیار از آثار هنری و صنایع دستی روستایی؛
 ۳. اشتراک مساعی با سازمان‌های مربوطه جهت تشکیل نمایشگاه‌های عکس از فعالیت‌ها و پیشرفت‌های مختلف مملکت و همچنین همکاری برای ایجاد موزه‌های سیار به منظور بالا بردن سطح اطلاعات و معلومات روستاییان؛
 ۴. اقدام برای اجرای برنامه‌ای مربوط به جشن‌های ملی و بزرگداشت روزهای تاریخی مثل عید نوروز، سده، مهرگان، روز دهقان و... (ساکما، ۱۹۷۷۲/۲۹۳).
- دعوت از وزیر فرهنگ برای شرکت در جلسه شورای عالی انجمن ملی خانه‌های روستایی، تهیه فیلم مستند از فعالیت‌های خانه‌های فرهنگ، برگزاری نمایشگاه روستایی و بزرگداشت سالگرد تشکیل خانه‌های فرهنگ روستایی نمونه‌هایی از اقدامات کمیته امور نمایشگاه‌ها و جشن‌ها به شمار می‌رفت (ساکما، ۲۸۳۷۳/۲۶۴). در واقع اقدامات اصلی کمیته نمایشگاه‌ها و جشن‌ها اجرای برنامه‌های مربوط به جشن‌های ملی و بزرگداشت روزهای تاریخی و همچنین تشریح اصول انقلاب سفید بود.

۵. کمیته پیشاهنگی

از مهم‌ترین وظایفی که برای کمیته پیشاهنگی پیش‌بینی شده بود، به موارد زیر باید اشاره کرد:

۱. تشکیل مرتب جلسات کمیته و بررسی اقدامات و اخذ تصمیم برای فعالیت‌های جدید و تقسیم وظایف بین اعضای کمیته و پیگیری آن تا حصول نتیجه؛
 ۲. کوشش برای آشنا کردن روستاییان با هدف و وظایف مربوط به امور پیشاهنگی و سعی در اجرا و توسعه برنامه های آن؛
 ۳. اشتراک مساعی با سپاهیان انقلاب و مأموران دولت و نمایندگان سازمان ملی پیشاهنگی ایران و واحدهای پیشاهنگی روستا جهت اجرا و پیشبرد برنامه‌های پیشاهنگی؛
 ۴. همکاری با مأموران سازمان ملی پیشاهنگی ایران برای تشکیل اردوهای پیشاهنگی؛
 ۵. پیش‌بینی و اقدامات لازم جهت تدارک وسایل و لوازم پیشاهنگی؛
 ۶. تنظیم گزارش کار کمیته و تسلیم آن به هیئت مدیره (ساکما، ۱۹۷۷/۲۹۳).
- پیشاهنگی و اجرای برنامه‌های مربوط به آن در ایران در اکثر مدارس به صورت ابتدایی انجام می‌شد. در آیین‌نامه‌های خانه‌های فرهنگ روستایی نیز کمیته‌ای به این منظور اختصاص داده شد تا روستاییان را با هدف‌های پیشاهنگی آشنا کند و با همکاری سازمان ملی پیشاهنگی و تشکیل اردوهای پیشاهنگی برای روستاییان، آمادگی لازم را در روستاییان برای انجام این امر فراهم کند. اما در خانه‌های فرهنگ روستایی برنامه پیشاهنگی اصولاً مطرح نشده یا بسیار ناچیز مطرح شده بود. برنامه‌های پیشاهنگی در خانه‌های فرهنگ روستایی عملکرد خاصی نداشت و موفقیتی به دست نیاورد، چرا که با زندگی روستاییان ناهماهنگ بود و در روستاها احساس نیازی به آن نمی‌شد.

۶. کمیته‌های فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش

وظایف کمیته فرهنگ و آموزش عبارت بود از:

۱. کوشش در اجرای برنامه‌ها به منظور آشنا کردن روستاییان با فرهنگ و سنن ملی و تاریخ روزهای پرافتخار مملکت؛
۲. همکاری با سازمان‌های ذی‌ربط در حفظ مراقبت آثار باستانی؛
۳. همکاری و اشتراک مساعی با مدیر دبستان و آموزگاران و سپاهیان دانش به

منظور پیکار با بی‌سوادی و تشویق روستاییان برای فرستادن فرزندان خود به دبستان و ترغیب آنان برای شرکت در کلاس‌های مبارزه با بیسوادی؛

۴. همکاری و اشتراک مساعی با سپاهیان انقلاب و مأموران دولت در سطح روستا برای پیشبرد برنامه‌های آموزشی و فرهنگی (ساکما، ۱۹۷۷۲/۲۹۳).

کمیت‌های فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش، کلاس‌های پیکار با بی‌سوادی را با همکاری سپاهیان خانه‌های فرهنگ روستایی برگزار می‌کردند. همکاری کانون پرورش کودکان با خانه فرهنگ روستایی و استفاده از سپاهیان دانش هم در دستور کار خانه‌های فرهنگ روستایی قرار داشت (ساکما، ۱۲۲۱۷۴/۲۹۳). کلاس‌های پیکار با بی‌سوادی را روستایاران خانه‌های فرهنگ روستایی برگزار می‌کردند (ساکما، ۱۴۲/۳۲۰/۸۹). گزارش‌های زیادی از کلاس‌های سوادآموزی خانه‌های فرهنگ روستاهای ایران و چگونگی تدریس به سواد آموزان، در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران وجود دارد (ساکما، ۲۱۲۰/۲۷۵). خانه‌های فرهنگ روستایی به منظور استفاده از اوقات فراغت کشاورزان و روستاییان، در هریک از خانه‌های فرهنگ کتابخانه‌ای نسبتاً مجهز دایر می‌کردند و با تجهیز آن به کتب، نشریات مختلف و روزنامه‌های یومیه، در بالا بردن سطح اطلاعات عمومی جوانان روستایی نقشی مهم به عمل می‌آوردند (ساکما، ۳۷۱۵۰/۲۳۰). به‌طور کلی ارسال کتاب، مجله و نشریات به خانه فرهنگ روستایی به منظور آشنا کردن آنها با مسائل میهنی و پرورش شغلی انجام می‌شد (ساکما، ش سند ۱۲۷۳۴۷/۲۹۳). ارسال روزنامه‌هایی همانند اطلاعات و کیهان به خانه‌های روستایی از دیگر اقداماتی بود که برای آموزش و بالابردن سطح سواد افراد انجام می‌شد (ساکما، ۴۳۴۷/۳۲۰/۹۷).

تأسیس کتابخانه و تشویق روستاییان به خواندن کتاب، بخشی از تلاش‌های خانه‌های فرهنگ روستایی به شمار می‌آمد. در اساسنامه خانه‌های فرهنگ هدف اساسی این تلاش، ایجاد تغییرات مطلوب و دگرگونی در شیوه تفکر روستاییان عنوان شده بود. روش رسیدن به این هدف، جمع‌آوری تعدادی کتاب با محتوای گوناگون در خانه‌های فرهنگ در قالب کتابخانه بود. تا سال ۱۳۵۴ در کتابخانه‌های دایر شده در خانه‌های فرهنگ روستایی، تعداد ۶۶۷/۰۹۲ جلد کتاب گردآوری شده بود (ساکما،

۲۳۰/۸۹۹۸.

تا سال ۱۳۵۴، تعداد ۱۲۰۰ نفر از مدیران عامل و اعضای هیئت‌های مدیره خانه‌های فرهنگ روستایی، در کلاس‌های خاصی آموزش دیدند که وظایف مربوط به اداره خانه‌های فرهنگ را تعلیم می‌داد. ۱۷۵۰ نفر از جوانان عضو خانه فرهنگ در هنرستان‌های حرفه‌ای به طور شبانه روزی و ۴۲۰۰ نفر در کلاس‌های روزانه در مورد مشاغل مورد نیاز جامعه روستایی به کارآموزی مشغول بودند. علاوه بر این، در خانه‌های فرهنگ روستایی کلاس خاص تعلیمات خانه‌داری و تنظیم خانواده برای زنان و دختران روستایی تشکیل می‌شد و در این کلاس‌ها با استفاده از ۹۷۷ مددکار و سپاهی دختر و مددیار محلی تعلیمات لازم به آنها داده می‌شد (ساکما، ۲۳۰/۸۹۹۸). در مرحله بعد، اعزام کارآموزان حرفه‌های روستایی خانه‌های فرهنگ روستایی به اردوها و دوره‌های آموزشی کارآموزی در هنرستان صنایع روستایی واقع در شهرهایی همانند اصفهان، در دستور کار قرار می‌گرفت (ساکما، ۲۷۵/۲۱۴۸).

در هر خانه فرهنگ روستایی، یک مهد کودک وجود داشت که یک نفر مددکار به عنوان سرپرست و یک نفر سپاهی دختر و یک خدمتکار مسئولیت اجرای برنامه‌های خانه‌های فرهنگ روستایی را برعهده داشت. در این خانه‌های فرهنگ روستایی، روزانه ۳۰ کودک ۳ تا ۶ ساله نگهداری می‌شد. برنامه‌های مهد کودک شامل دو قسمت بود. یکی برنامه سرگرمی و آموزشی و دیگری برنامه‌های غذایی. در قسمت سرگرمی کودکان با مشخصات برخی از پرندگان و حیوانات آشنا می‌شدند. طرز غذا خوردن با قاشق و چنگال را آموزش می‌دیدند و طرز نشستن و استفاده از میز و صندلی را می‌آموختند. تا سال ۱۳۵۴ تعداد ۲۴/۰۸۵ نفر کودک روستایی ۳ تا ۶ ساله با صرف صبحانه و غذای نیمروز، از تعلیمات کودکانی بهره بردند (ساکما، ۲۳۰/۹۸۸۹).

۷. کمیته امور اجتماعی

وظایف کمیته امور اجتماعی عبارت بود از:

۱. تشویق و راهنمایی روستاییان به عضویت در شرکت تعاونی روستایی و همکاری با شرکت‌های زراعی و انجمن ده و واحد روستایی به منظور بهتر به ثمر رساندن

برنامه‌ها؛

۲. ترغیب و ارشاد روستاییان برای تشریک مساعی در کلیه امور اقتصادی، اجتماعی، آبادانی، بهداشتی، عام‌المنفعه، نوسازی و فرهنگی روستا و همچنین همکاری لازم جهت ایجاد دبستان، ساختمان‌های ورزشی و زمین‌های ورزشی؛

۳. راهنمایی و ارشاد روستاییان برای حل مسائل اجتماعی؛

۴. تفهیم فواید پس‌انداز و ترغیب روستاییان به پس‌انداز وجوه خود در بانک‌ها؛

۵. اشتراک مساعی با سپاهیان انقلاب و مأموران دولت در سطح روستا جهت پیشبرد

برنامه‌های اجتماعی؛

۶. همکاری و اشتراک مساعی با سازمان‌های ذی‌ربط برای مقابله با حوادث و وقایع

غیرمترقبه مانند زلزله، سیل، خشکسالی و غیره.

کمیته‌های امور اجتماعی طی جلساتی با شرکت اهالی روستاها تحت نظر خانه‌های فرهنگ روستایی امور مسائل مختلف روستا از قبیل بهداشت عمومی، معرفی بیمار به درمانگاه، بهداشت و تنظیم خانواده را مورد توجه قرار می‌دادند (ساکما، ۱۳۷۱/۳۳۰).

۸. کمیته امور مالی

۱. همکاری با مدیر عامل و خزانه‌دار برای وصول حق عضویت اعضا و ایجاد امکانات مالی از طریق جلب کمک‌ها و هدایا به منظور اجرای برنامه‌ها. برای نمونه در سال ۱۳۵۳، اهالی تعدادی از روستاهای بخش جبالبارز جیرفت آمادگی خود را برای پرداخت ۳۰ درصد هزینه ساخت خانه فرهنگ روستایی اعلام کردند (ساکما، ۱۳۹۵/۲۹۳/۹۹). یا اینکه خانه‌های فرهنگ روستایی مناطق میناب و بندرعباس در سال ۱۳۴۹ گزارش می‌دهد که مبلغ ۵۱۸/۳۴۸ ریال از طریق خودیاری مردم جمع‌آوری شده بود (ساکما، ۱۳۷۱/۳۳۰). دولت برای تأمین هزینه‌ها به تخصیص ۵ درصد از درآمد کشت خشخاش برای توسعه خانه فرهنگ روستایی اقدام کرد (ساکما، ۱۳۷۱/۲۹۳/۹۷). بخشی از کمک به خانه‌های فرهنگ روستایی، کمک‌های سازمان و احزاب بود. در سال ۱۳۵۰ به مناسبت جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی پهلوی، دو کامیون حامل هدایای سازمان کشاورزان وابسته به حزب ایران نوین، به خازنه‌های

فرهنگ روستایی استان مازندران اعطا شد (ساکما، ۲۵/۲۷۴۲).

۲. تنظیم گزارش کار کمیته و تسلیم آن به هیئت مدیره

به طور کلی منابع درآمد‌های خانه‌های فرهنگ روستایی از هدایا و کمک‌های عمومی، درآمد‌های اجتماعی، حق عضویت اعضا و کمک‌های انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی و همچنین بودجه دولت تأمین می‌شد (ساکما، ۲۹۳/۱۹۷۷۲). صورت‌جلسات انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی درباره هزینه‌های تخصیصی خانه‌های فرهنگ روستایی مانند هزینه تعمیرات ساختمان و محوطه‌سازی، تأمین نیازمندی‌های ضروری، وسایل و تجهیزات مهد کودک و غیره در این کمیته انجام می‌شد (ساکما، ۹۹/۲۹۳/۱۶۶۵).

دلایل و زمینه‌های از دست رفتن کارکردهای اولیه خانه‌های فرهنگ روستایی

مدتی بعد از تشکیل خانه‌های فرهنگ روستایی، این نهاد کارکرد اصلی خود را از دست داد و بسیاری از برنامه‌ها به علل مختلف، به تدریج به دست فراموشی سپرده و حذف شد. مسئولان خانه‌های فرهنگ روستا، گاهی با خود روستاییان مشکلاتی داشتند. چون روستاییان خانه فرهنگ را یک مؤسسه دولتی می‌شناختند و مداخله و مشارکتی در برنامه‌ها و اداره و اجرای آن نداشتند، به همکاری با مسئول خانه فرهنگ علاقه‌ای نشان نمی‌دادند و از آنجایی که به دلایل مختلف نمی‌توانستند صریح و روشن مخالفت و ناراحتی خود را نسبت به برنامه‌های دولت به طور اعم و برنامه‌های خانه‌های فرهنگ به طور اخص ابراز کنند، این نوع مخالفت‌ها و ناراحتی‌ها را به طور غیرمستقیم، با ایجاد مشکلات و ناراحتی برای مسئول خانه فرهنگ اظهار می‌کردند. برای مثال در یکی از خانه‌های فرهنگ، روستاییان پنجره‌های خانه فرهنگ را شکستند و اسباب بازی‌هایی که به مناسبت ورود بازرسان شاهنشاهی برای مهد کودک خریداری شده بود، شبانه بردند و حتی حاضر نشدند اتافی برای سکونت در اختیار آنها قرار دهند (ساکما، ۲۳۰/۸۹۹۷).

در سال ۱۳۵۵ لژیون خدمتگزاران بشر برای بهره‌گیری از خدمات داوطلبانه در جهت پیشرفت امور خانه‌های فرهنگ روستایی، طرح پیشنهادی خود را به سازمان

خانه‌های فرهنگ روستایی ارائه داد که مورد استقبال خانه‌های فرهنگ قرار گرفت (ساکما، ۱۳۹۷/۲۳۰). لژیون بشر تمایل داشت که برای تأمین مشارکت جامعه روستایی در پیشبرد هدف های خانه‌های فرهنگ روستاییان، سهم مؤثری در اداره خانه‌های فرهنگ روستایی داشته باشد. در برنامه‌ریزی خانه‌های فرهنگ، خصوصیات محلی، احتیاجات و نیازمندی‌های جامعه روستایی مورد توجه دقیق قرار گیرد. همچنین آداب و رسوم و سنن اجتماعی روستایی در نظر گرفته شوند و نقش بسیاری در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات و خدمات مختلف برای روستاییان در نظر گرفته شود. علاوه بر این، معتقد بود که دریافت حق عضویت (ماهانه ۵ ریال) نمی‌تواند تأمین‌کننده مشارکت روستایی در کار خانه فرهنگ باشد، بلکه برای تحصیل و تأمین این مشارکت باید فرصت‌هایی فراهم شود که روستاییان در خدمات و برنامه‌های مختلف خانه‌ها سهم و وظیفه داشته باشند و برای بهبود وضع آن کوشش کنند (ساکما، ۱۳۹۸/۲۳۰).

علاوه بر این ساعات کار خانه‌های فرهنگ با ساعات کار مهد کودک برابر بود. یعنی، بین ساعت ۸ تا ۱۲ و بعضی از روزها تا ساعت یک بعداز ظهر مشغول به کار بودند. خانه‌های فرهنگ از نظر پرسنل و اعزام مددکار و سپاهی نیز دچار مشکل بودند. برای مثال از ۳۳ خانه فرهنگ روستایی اصفهان در این دوره، فقط ۱۴ خانه فرهنگ مسئول داشت. مسئولان خانه‌های فرهنگ که بعد از افتتاح خانه‌های فرهنگ مسئولیت را به عهده گرفته بودند، یا مروجان خانه‌دار بودند و، یا مددکارانی که در تهران یک دوره مددکاری یکساله را دیده بودند. هر یک از آنها به عنوان مسئول خانه فرهنگ مشکلاتی داشتند. آنها در عمل هیچ‌گونه علاقه و آمادگی برای زندگی در روستا و اداره خانه فرهنگ روستایی نداشتند (ساکما، ۱۳۹۷/۲۳۰). تجربیات خانه‌های فرهنگ روستایی هم نشان می‌دهد که شهروندان رغبت چندانی نداشتند که برای خدمت دائمی در سطح روستاها به استخدام درآیند و به همین دلیل تأمین کادر مورد نیاز خانه‌های فرهنگ روستایی و مهدهای کودک از بین افراد تحصیل کرده با مدرک دیپلم و، یا سوم متوسطه با مشکل مواجه می‌شد. از این رو از سال ۱۳۵۴ به بعد، دولت درصدد برآمد مددکاران مورد نیاز خانه‌های فرهنگ را از بین روستازادگان محلی، با مدرک تحصیلی ششم ابتدایی و یا سوم متوسطه استخدام کند. از آنجا که به موجب قوانین و مقررات

استخدامی، نمی توانستند فردی با مدرک ششم را به عنوان مددکار استخدام کنند، پیشنهاد شد که اعتبار حقوق و مزایای آنها به صورت کمک و اعانه در اختیار انجمن‌های ملی خانه‌های فرهنگ روستایی گذاشته شود (ساکما، ۲۲۰/۴۵۲). مجموع این مشکلات باعث شده بود که در برخی از نقاط کشور مسئولان خانه‌های فرهنگ محل مأموریت خود را ترک کنند و، یا به صورت نامنظم سر کار حاضر شوند. بازرسی از خانه‌های فرهنگ روستایی مریوان در استان کردستان که در سال ۱۳۵۳ به عمل آمده بود، نشان می‌دهد که مأمور خدمت در آن خانه فرهنگ، مدت ۲ ماه محل مأموریت خود را ترک کرده و خانه فرهنگ روستایی به طور کلی تعطیل شده بود، به طوری که وسایل کار از بین رفته بود. اهالی هم اظهار داشتند که مأمور خانه فرهنگ هیچ گونه خدمتی انجام نمی‌داد و در طول سال، از ساعت ۱۰ الی ۱۲ به طور نامنظم، در محل کار حاضر می‌شد (ساکما، ۲۷۵/۲۳۰۰).

همان‌طور که اشاره شد وظایف خانه‌های فرهنگ روستایی بین ۸ کمیته تقسیم شده بود. با توجه به بررسی‌هایی که درباره این کمیته‌ها انجام شد، می‌توان نتیجه گرفت که نظر به تمامی وظایف خانه‌های فرهنگ جز دو مورد یعنی، برگزاری جشن‌ها و احداث زمین‌های ورزشی و تدارک وسایل ورزشی که در آن به کمیته‌ها اختیاراتی در حد اقدام و عمل می‌داد، در بقیه موارد هیئت مدیره و کمیته‌ها نقش تشویقی و ارشادی داشتند. برنامه‌هایی همانند ترویج خانه‌داری و آموزش‌های بهداشتی و تنظیم خانواده هم در آیین‌نامه خانه‌های فرهنگ روستایی پیش‌بینی نشده بود که بعداً به برنامه‌های خانه‌های فرهنگ روستایی افزوده شد (ساکما، ۲۳۰/۸۹۹۷).

نتیجه‌گیری

فلسفه شکل‌گیری خانه‌های فرهنگ به اذعان متولیان آن، بالابردن سطح اطلاعات عمومی و اجتماعی و ایجاد زمینه پرورش استعدادهای ورزشی، هنری و فنی روستانشینان کشور و ضرورت ارشاد افکار کشاورزان در جهت برنامه‌های آبادانی مملکت و تقویت حس مسئولیت اجتماعی، بر عهده کمیته‌های هشت‌گانه‌ای بود که در سال ۱۳۴۷ تأسیس شد. خانه‌های فرهنگ روستایی زیر نظر وزارت اصلاحات ارضی و

تعاون روستایی فعالیت می‌کردند. مبنای ساختار سازمانی خانه‌های روستایی شامل هشت کمیته بود که برای هریک وظایف و اهدافی طراحی شده بود. از مجموع برنامه‌های پیش‌بینی شده در آیین‌نامه خانه‌های فرهنگ فقط ورزش و نمایش فیلم و کتابخانه مورد قبول و استقبال روستاییان قرار گرفت و بقیه کمیته‌ها و فعالیت‌ها، به‌رغم تلاش‌های اداره تعاون و مسئولان خانه‌های فرهنگ روستا، به تدریج به دست فراموشی سپرده و عملاً از برنامه حذف شد. چرا که تشویق و راهنمایی روستاییان به همکاری با خانه‌های فرهنگ زمانی می‌توانست مؤثر واقع شود که به مبانی و اصول آن توجه می‌شد و برنامه با احتیاجات و زندگی و عقاید و افکار مردم و به طور کلی با فرهنگ روستایی مطابقت می‌داشت و با ضروری‌ترین و مهم‌ترین نیازهای روستاییان منطبق می‌بود.



منابع

الف) اسناد منتشر نشده

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۳۰/۳۷۱۰۵.
- _____، سند شماره ۲۹۳/۸۸۲۰۱.
- _____، سند شماره ۲۹۳/۱۳۹۱۹.
- _____، سند شماره ۲۳۰/۱۱۹۶۳۹.
- _____، سند شماره ۲۳۰/۸۹۹۸.
- _____، سند شماره ۲۳۰/۸۹۹۷.
- _____، سند شماره ۲۹۳/۱۹۷۷۲.
- _____، سند شماره ۲۹۳/۱۵۱۴۵.
- _____، سند شماره ۲۶۴/۲۸۳۷۳.
- _____، سند شماره ۲۹۳/۱۲۲۱۹۶.
- _____، سند شماره ۲۹۳/۱۲۷۳۴۷.
- _____، سند شماره ۹۹/۲۹۳/۱۶۶۵.
- _____، سند شماره ۲۹۳/۱۲۱۴۱۵.
- _____، سند شماره ۲۹۳/۱۲۲۱۷۴.
- _____، سند شماره ۲۷۵/۲۱۴۸.
- _____، سند شماره ۹۷/۲۹۳/۷۰۲۷.
- _____، سند شماره ۲۵/۲۷۴۲.
- _____، سند شماره ۲۷۵/۲۱۲۰.
- _____، سند شماره ۲۷۵/۲۱۲۴.
- _____، سند شماره ۸۹/۳۲۰/۱۴۲.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، سند شماره ۱۷/۱۲۲۱

ب) مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی

- مشروح مذاکرات مجلس نوزدهم شورای ملی (سه‌شنبه ۸ آبان ماه ۱۳۳۵)، جلسه ۲۶.
- مشروح مذاکرات مجلس نوزدهم شورای ملی (سه‌شنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۳۵)، جلسه ۴۳.

ج) کتابها

آبراهامیان، پرواندا (۱۳۸۹) *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

| بررسی ساختار خانه‌های فرهنگ روستایی در ایران دوره پهلوی (۱۳۴۷-۱۳۵۷) | ۲۵

- ارسنجانی، نورالدین (۱۳۷۹)، دکتر ارسنجانی در آینه زمان، تهران: قطره.
- اشرف، احمد و علی بنوعزیزی (۱۳۸۷)، طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
- بیل، جیمز (۱۳۷۱) شیر و عقاب، ترجمه برلیان فروزنده (جهانشاهی)، تهران: فاخته.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۶)، انقلاب سفید، تهران: کتابخانه سلطنتی.
- صورت‌جلسات انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی با امضای اسدالله علم، عبدالعظیم ولیان، حسین خطیبی (بیتا) کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی، شماره ۱۱۲۵۲.
- فوران، جان (۱۳۸۶)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- لمبتون، آن کترین سواينفورد (۱۳۹۴)، اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه مهدی اسحاقیان، تهران: امیرکبیر.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۹)، تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، شیراز: نوید.
- هوگلاند، اریک (۱۳۸۱)، زمین و انقلاب در ایران، ترجمه فیروز مهاجر، تهران: شیرازه.
- (د). نشریات
- نشریه خبری وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی (۱۳۴۷)، سال ۲، شماره ۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

List of sources with English hand writing

Asnād

Ketābkhān-e, Mūze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šūrā-ye Eslāmī (Kamām), Document No. 1221/17.

- Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 13919/293.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 119639/230.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 19772/293.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 15145/293.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 122196/293.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 127347/293.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 1665/293/99.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 121415/293.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 122174/293.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 142/320/89.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 28373/264.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 2148/275.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 2742/25.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 2120/275.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 2124/275.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 37105/230.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 7027/293/97.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 88201/293.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 8998/230.
 Sāzmān-e Asnād va Ketābkhān-e Mellī-ye Iran(Sākmā), Document No. 8997/230.

Mašrūh-e Mozākerāt-e Majles-e Šūrā-ye Mellī

Mašrūh-e Mozākerāt-e Majles-e Nūzdahom-e Šūrā-ye Mellī (1335), Session 26, Tuesday, 8 Ābān.

Mašrūh-e Mozākerāt-e Majles-e Nūzdahom-e Šūrā-ye Mellī (1335), Session 43, Tuesday, 27 Āzar.

Books:

- Abrahamian, Ervand (2010) A history of Modern Iran, translated by Moḥammad Ebrāhīm Fattāhī, Tehran: Ney Publishing.
 Arsanjānī, Noūreddīn, (2000), Dr. Arsanjani in the Mirror of Time, Tehran: Qatreh.
 Ašraf, Aḥmad and Banū-Azīzī, ‘Alī (2008) The Social Classes of the Government and the Revolution in Iran, translated by Soheīlā Torābī Fārsānī, Tehran: Niloūfar Publishing.
 Bill, James (1992) The Lion and the Eagle, translated by Foroūzandeh (Jāhānšāhī), Tehran: Fākteh Publications.
 Foran, John (2007) Fragile Resistance: The History of Social Developments in Iran from 1500 AD to the Revolution, translated by Aḥmad Tadayon, Tehran: Rasā Cultural Services.
 Hooglund, Eric James, (2002), Land and revolution in Iran, 1960 - 1980, translated by Fīrooz Mohājer, Tehran: Šīrāzeh.
 Lahsāeīzādeh, ‘Abdol‘alī, (1990), Social Developments in Rural Iran, Shiraz: Navīd.
 Lambton, Ann Katharine Swynford, (2015), The Persian Land Reform 1962-1966, translated by Mehdi Ishāqīān, Tehran: Amīrkabīr.
 Minutes of the National Association of Rural Culture Houses, signed by: Assadolāh ‘Alam, ‘Abdol‘azīm Valīān, Ḥosseīn kaṭībī (N.d) Library of the Islamic Consultative Assembly, Manuscript, No. 11252.
 Pahlavī, Moḥammad Rezā (1346) The White Revolution, Tehran: Royal Library.
 Newspaper
 Našrīy-e kabārī Vezārat-e Ešlāḥāt-e Arzī va Ta‘āvūn-e Rūstā’ī(1347), Year 2, Issue 9.